

بررسی عقاید و عملکرد داعش

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی فرمانیان*

اشاره

امروزه، مهم‌ترین تهدید در جهان اسلام، تکفیر مسلمانان است که کشتار فجیع مسلمانان و اسلام‌هراسی، از نتایج اصلی آن است. کشورهای غربی با حمایت از جنایت‌های جریان‌های تکفیری، علاوه بر ایجاد چهره منفور از اسلام، در جهان به دنبال ایجاد جنگ داخلی و تفرقه در کشورهای اسلامی و تجزیه آنها به کشورهای کوچک می‌باشند. تسلط بر انرژی غرب آسیا و ایجاد یک کشور صهیونیستی به عنوان قدرت اول منطقه، اهدافی است که آمریکا امروز با ابزار جریان‌های تکفیری به دنبال تحقق آن است.

گروه‌های تکفیری برای اولین بار در مصر ظهور یافتند و بعد از تهاجم شوروی، به افغانستان رفتند. این افراد، جهاد را واجب عینی دانسته و با تمسک به فتوای ابن تیمیه، به تکفیر مسلمانان پرداختند. تأکید فراوان این گروه‌ها به جهاد، باعث گردید تا به «سلفیه جهادی» مشهور شوند. آنان بعد از اتمام جنگ افغانستان، القاعده را به رهبری اسامه بن لادن تشکیل دادند و در یازدهم

* دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

سپتامبر ۲۰۰۱م، برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی توسط دو هواپیما فرو ریخت و آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم، به افغانستان و عراق لشکر کشید. با ورود آمریکا به عراق، گروه‌های مختلف تکفیری به عراق آمده، به مقابله با آمریکا پرداختند؛ اما فردی به نام «ابومصعب زرقاوی» در عراق ظهور کرد که با نوشتن کتاب «هل أتاک حدیث الرافضه»، شیعه را دشمن اصلی خود معرفی کرد و به کشتار و قتل شیعیان پرداخت و این، شروعی بود برای ایجاد گروه تکفیری داعش.

ظهور داعش

با آغاز شورش در سوریه، «ایمن الظواهری»، رهبر القاعده جهان، با صدور بیانیه‌ای القاعده را به شورش و جنگ در شام فرا خواند. پس از مدتی کوتاه، نیروهای تکفیری از سراسر جهان برای ملحق شدن به نیروهای القاعده، به سوی سوریه رهسپار شدند. ابوبکر بغدادی نیز با افراد خود وارد سوریه شد و در بیانیه‌ای در سال ۲۰۱۳م، تأسیس «دولت اسلامی عراق و شام» را اعلام کرد که مخفف آن، «داعش» می‌شود. در مقابل، القاعده سوریه، اسم خود را «جبهة النصرة» گذاشت و این چنین، این دو گروه تکفیری به جان هم افتاده و عده کثیری از یکدیگر را کشتند و همدیگر را کافر خواندند.

با توجه به اختلافات شدید داعش و جبهة النصرة، ایمن الظواهری، رهبر القاعده جهان، در حمایت از جبهة النصرة بیانیه‌ای صادر کرد و ابوبکر بغدادی را خطاکار دانست. در مقابل، ابوبکر بغدادی گروه خود را فسطاط (خیمه) ایمان که در آن نفاق و وجود ندارد، توصیف کرد و سایر گروه‌ها و کشورهایی را که مخالف او هستند، «خیمه کفر» نامید و این چنین، راه خود را از القاعده جدا کرد و گروه تکفیری جدیدی در منطقه شکل گرفت.

اعلان خلافت جهانی از سوی داعش

داعش در ماه مبارک سال ۲۰۱۴م، با همکاری بعضی‌ها و چراغ سبز اهل سنت عرب عراق، به موصل حمله کرد و با خیانت استاندار موصل، این شهر را تصرف نمود و ابوبکر بغدادی ادعای خلافت کرد. داعش در بیانیه‌ای، با اشاره به پیروزی مسلمانان بر کسری و روم در صدر اسلام و تشبیه آن با وضعیت کنونی، دشمنان اصلی داعش را ایران (شیعیان) و غرب معرفی کرد. در این بیانیه، ایران همان کسرای زمان پیامبر تلقی شد که باید با آن جنگید.

از نکات جالب این پیام، آن است که از خلافت داعش با عنوان «دولت آخرالزمان» یاد می‌کند و دعا می‌کند که داعش همان خلافتی باشد که پرچم را به حضرت عیسی بن مریم اعطا می‌کند. داعش در این پیام، ایمن الظواهری، رهبر القاعده جهان را به گمراهی از مسیر جهاد متهم می‌کند و از علویان سوریه و حاکمان سکولار به عنوان «مرتدان» یاد می‌شود.

واکنش‌ها به خلافت ابوبکر بغدادی

با ادعای خلافت ابوبکر بغدادی، گروه‌های تکفیری در واکنش به این اقدام، به دو دسته تقسیم شدند؛ برخی با بغدادی به عنوان خلیفه بیعت کردند؛ ولی ایمن الظواهری رهبر القاعده جهان، در این زمینه گفت: «القاعده، نسبت به اعمال و رفتار داعش برائت می‌جوید.»^۱ عدنان عرعور، از علمای سلفی سوریه و حامی جبهه النصره، داعش را خوارج توصیف کرد و آنان را تکفیر بیان عصر حاضر دانست.^۲ عدنان عرعور، همان فردی است که جهاد در سوریه را جهاد در راه خدا معرفی کرده بود.

عبدالعزیز آل‌شیخ، مفتی اعظم سعودی و رئیس هیئت کبار العلماء، با انتشار بیانیه‌ای با عنوان «تبصرة و ذکر» داعش را خوارج عصر معرفی کرده، باعث تفرقه میان امت اسلامی شد و با دعوت مسلمانان به وحدت، آنها را از داعش برحذر داشت. آل‌شیخ، کشتار داعش را محکوم و آنان را غلوکننده در تکفیر معرفی کرد.^۳ گفتنی است که مفتی عربستان، پیوستن به القاعده در سوریه را جهاد فی سبیل الله خوانده بود؛ اما زمانی که داعش ادعای خلافت کرد و حکومت آل سعود را به چالش کشید، به یکباره پیوستن به داعش گناه کبیره دانسته شد.

عقیده‌نامه داعش

ابوعمر بغدادی، سرکرده القاعده، بعد از زرقاوی با انتشار بیانیه‌ای در سال ۲۰۰۷م، عقاید این گروه افراطی را در نوزده بند ذکر کرده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.^۴ عقاید داعش بر

1. <http://www.al-akhbar.com/node/199979>

2. <http://www.elmarada.org/video/latest/aeraour-wasted-blood-daash>

3. <http://murajaat.reasonedcomments.org/2014/08/081901-wahhabism.html#.VCq4HhbjFYE>

۴. ابوعمر بغدادی، قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي، نخبة الاعلام الجهادی؛ ر.ک: <https://nokbah.com/~w3/?p=1264>. نوار صوتی این سخنرانی، در همین لینک وجود دارد و در یوتیوب، با نام «هذه عقيدة الدولة الاسلامية في العراق والشام» موجود است.

اساس بیانیه‌های خود آنها به شرح زیر است:

۱. داعشی‌ها می‌گویند: «ما به نابودی تمامی مظاهر شرک و تحریم ابزارهای آن، اعتقاد داریم.»
 داعشی‌ها با استدلال به روایات شاذ،^۱ تمام بناهای قبور اولیای الهی را به گمان شرک بودن تخریب می‌کنند؛ حال آنکه قرآن درباره اصحاب کهف می‌فرماید: «... فَقَالُوا ابْنُوا عَلَیْهِمْ بُنیَانًا...»^۲ همچنین، در هیچ کتاب تاریخی، تخریب قبور به دست صحابه گزارش نشده است. هنگامی که صحابه، ایران، شام و مصر را فتح کردند، هیچ قبوری را تخریب نکردند، بلکه به قبر حضرت ابراهیم علیه السلام در شام و دانیال نبی در شوش احترام نهادند. دیگر آنکه پیامبر را در خانه‌اش دفن کردند که دارای بنا بود. بنابراین، با استناد به حدیثی مجعول و با تفسیر اشتباه، نمی‌توان میلیون‌ها مسلمان را مشرک دانست و موجب بی‌احترامی به اولیای خدا و آزرده‌گی دل مسلمانان شد.

۲. به اعتقاد داعش‌ها: «رافضی‌ها (شیعیان)، طایفه مشرک و مرتدی هستند که از تطبیق بسیاری از شعائر ظاهری امتناع می‌ورزند. بنابراین، هیچ شیعه‌ای، مسلمان نیست و کشتن‌شان جایز، بلکه واجب است.»

متأسفانه، داعشی‌ها با تحلیل‌ها و برداشت‌های اشتباه ابن تیمیه و تهمت‌هایی که پایه و اساسی ندارد، به جنگ مذهبی دامن می‌زنند و در زمین دشمن اسلام بازی می‌کنند. به تعبیر مقام معظم رهبری، این افراد جاهل‌اند و جهلشان به کشتار مسلمانان دامن می‌زند که ان‌شاءالله، از جهل یا غرض خارج شوند.

۳. داعشی‌ها می‌گویند: «دیدگاه ما درباره ایمان، دیدگاهی بین خوارج غلوکننده و اهل مرجئه افراط‌کننده است. کسی که شهادتین را بگوید و اسلام خود را آشکار کند و نواقض اسلام^۳ را انجام ندهد، او را مسلمان می‌دانیم و باطن او را به خداوند متعال واگذار می‌کنیم. همانا کفر، بر

۱. از سیوطی نقل شده است که از ابوالهیاج فقط همین روایت در منابع روایی وجود دارد. ر.ک: رضوانی، سلفی‌گری و پاسخ به شبهات، ص ۵۹۳.

۲. کهف، آیه ۲۱.

۳. نواقض اسلام نزد داعش، همان نواقض اسلام نزد وهابیت است که در کتاب نواقض الإسلام محمدبن عبدالوهاب تجلی یافته است. در اعتقاد آنان، توسل، شفاعت و استغاثه به ارواح اولیای الهی، از جمله موارد نواقض اسلام است که باعث خروج فرد از اسلام می‌شود.

دو قسم است: کفر اکبر و کفر اصغر. حکم کفر، بر کسی واقع می‌شود که به صورت قول یا فعل یا اعتقاد آن را کسب کند؛ اما تکفیر شخص معین و حکم بر خلود او در جهنم، متوقف بر اثبات شروط کفر و منتفی شدن موانع آن است.»

مشکل داعشی، پذیرش کورکورانه عقاید ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب است؛ زیرا بیشتر نواقض اسلامی که محمدبن عبدالوهاب بیان کرده و اکنون داعش در شهرهای تحت اشغال خود، بر کوی و برزن زده است، به تصریح همه علمای بزرگ اسلام، ناقض اسلام نیست و به تصور غلط سلفی‌ها و به تاسی از ابن تیمیه، ناقض گماشته شده است.

۴. آنان معتقدند: «تحاکم به سوی طاغوت که همان احکام وضعی و قوانین عشایر و دولت‌ها و مجالس است، از نواقض اسلام است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱

جای شگفتی است که سلفیان جهادی، این آیه را دال بر کفر حاکمان اسلامی و نمایندگان مجلس شوراهای کشورهای اسلامی و دیگر مردمی می‌دانند که به آنان کمک می‌کنند؛ اما دو آیه بعد را که می‌فرماید: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲ و «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۳ را نمی‌بینند!

۵. در نگاه داعشیان، تکریم و تعظیم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واجب و تقدم دیگران بر ایشان، حرام است و کسی که ادعا کند به مقام آن جناب شریف و مقام اهل بیت مطهر و اصحاب بزرگ ایشان از خلفا و سایر اصحاب رسیده، کافر و مرتد می‌شود. بنابراین، شیعیان و صوفیانی که برای بزرگان خود، مقامی همسان، بلکه بالاتر از اصحاب پیامبر قائل‌اند، کافرند.

۶. «همانا غرب‌زدگی با تفاوت پرچم‌ها و تنوع گرایش‌های آن، مانند ملی‌گرایی و وطن‌پرستی و کمونیستی و بعثی، کفر آشکار و موجب نقض اسلام و خروج از دین می‌شود و تمام کسانی که در فعالیت سیاسی مشارکت داشته باشند، مانند احزاب سیاسی که به دنبال جایگزین کردن امر دیگری به جای دین خداوند و تسلط دشمنان خداوند از صلیبیان و روافض (شیعیان) و سایر

۱. مانده، آیه ۴۴.

۲. مانده، آیه ۴۷.

۳. مانده، آیه ۴۵.

مرتدان بر بندگان مؤمن خدا هستند، همگی مرتد هستند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ»^۱ چنان‌که شیوه حزب اسلامی (حزب طارق الهاشمی)، شیوه کفر و ارتداد است و سلوک و منش آن با دیگر شیوه‌های کفار و مرتدان، مانند حزب جعفری و ایاد علاوی، اختلافی ندارد و تمامی رهبران آنها، مرتد هستند. نزد ما، فرقی میان مسئول در حکومت یا مدیر بخش وجود ندارد.^۲

۷. «تمام کسانی که به هر شکلی (مانند: غذا، لباس، درمان و مانند اینها) اشغالگران را یاری دهند، به طوری که باعث تقویت و قدرت آنها شود، کافر و مرتدند و خون آنها، مباح است.»
 ۸. «جهاد در راه خدا، از زمان سقوط آندلس برای آزادی شهرهای مسلمان‌نشین، بر تمامی افراد واجب عینی است و بزرگ‌ترین گناهان بعد از کفر به خدا، نهی از جهاد در راه خداست؛ درحالی که جهاد، واجب عینی است. ابن حزم می‌گوید: «هیچ گناهی بعد از کفر به خدا، بزرگ‌تر از نهی از جهاد در راه خدا نیست.»

۹. «سرزمین مسلمانان، زمانی که دچار قوانین کفار شود و غلبه در آنها با احکام کفار باشد و احکام اسلام اجرا نشود، حکم سرزمین کفار را دارد و این امر لزوماً موجب تکفیر ساکنان آن نمی‌شود. به سبب آنکه احکامی که امروز تمامی سرزمین‌های اسلامی را فرا گرفته، احکام طاغوت و قوانین آن است، ما حکم به کفر و ارتداد جمیع حاکمان آن کشورها و ارتش‌های آنها می‌کنیم و کشتن آنها، از کشتن اشغالگران صلیبی، واجب‌تر است. متذکر می‌شویم که ما با تمامی قدرت‌هایی که با دولت اسلامی عراق جنگ کنند، هرچند که با نام‌های عربی و اسلامی باشد، می‌جنگیم و آنها را نصیحت می‌کنیم و بر حذر می‌داریم تا خود را قربانی مطامع اشغالگران نکنند.»

۱۰. «کشتن پلیس طاغوت و مرتدان و هر آنچه از این دو پدید بیاید، واجب است؛ مانند تأسیسات نفتی و از بین بردن ساختمان‌ها و مؤسساتی که معلوم بشود طاغوت آنها را محل استقرار خود قرار داده است.»

۱۱. «امروز گروه‌های اهل کتاب و صابئان و مانند اینها در دولت اسلام، حکم دشمن را دارند و

۱. انعام، آیه ۱۲۱.

۲. محمد ابراهیم نژاد و مهدی فرمانیان، داعش بررسی انتقادی تاریخ و افکار، از ص ۵۸ به بعد.

اهل ذمه شمرده نمی‌شوند؛ چراکه عهد خود را به شکل‌های گوناگون شکسته‌اند. بنابراین، اگر امنیت و امان بخواهند، باید پیمان جدیدی با دولت اسلامی ببندند و شروط مادام‌العمری که نقض کردند، متوقف خواهد شد.»

۱۲. «همانا فرزندان جهادی که در میدان عمل فعال هستند، برادران دینی ما هستند و ما آنها را متهم به کفر و فسق نمی‌کنیم؛ اما آنها به دلیل تخلف از واجب زمانه که اجتماع زیر پرچم واحد است، دچار عصیان شده‌اند.»

۱۳. «نجات اسیران (سلفیان جهادی زندانی) و حفظ حریم مسلمانان (سلفیان جهادی) از دست کافران (شیعیان و حاکمان سکولار)، از طریق جنگ، واجب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «اسیران را آزاد کنید؛ همان‌طور که کفالت خانواده آنها را مانند خانواده شهدا، واجب می‌دانیم.» و نیز فرمودند: «هرکس که آماده جنگ شود، مانند کسی است که جنگ کرده است و کسی که جنگجویی در خانواده‌اش بگذارد، مانند کسی است که جنگ کرده است.»

۱۴. «آموزش امور دینی به مردم، واجب است؛ هرچند برخی از لذت‌های دنیوی از دست برود. از علوم دنیایی هر آنچه مورد نیاز مردم باشد، واجب و غیر از آن تا زمانی که از ضوابط شرع خارج نباشد، مباح است. هر آنچه مردم را به سوی امور زشت فرا بخواند و کمک بر انجام آن باشد، حرام است؛ مانند دستگاه ماهواره. پوشاندن صورت و دوری از بدحجابی و پایبندی بر عفت و طهارت، بر زنان واجب شرعی است.»

نقد برخی از افکار تکفیری داعش

احادیث پیامبر در عدم جواز تکفیر اهل قبله و اهمیت جان و مال و آبروی مسلمان، بسیار است. این احادیث، نشان می‌دهند که دیدگاه داعش، بر خلاف اسلام و سنت پیامبر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر شخصی به برادر مؤمنش بگوید: ای کافر، این کلام به خودش بازمی‌گردد.»^۱ در حدیث دیگر، ایشان فرمودند: «به اهل توحید تعرض نکنید و به جهت گناه، آنها را تکفیر نکنید. اگر کسی اهل توحید را تکفیر کند، خودش به کفر نزدیک‌تر است.»^۲

۱. صحیح البخاری، ج ۵۶۳۹؛ مسند احمد، ج ۴۴۸۵، ۴۸۳۳، ۵۰۰۸، ۵۶۴۴ و ۵۶۶۳؛ صحیح ابن حبان، ج ۲۴۹.

۲. الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

همچنین، حضرت فرموده: «هیچ یک از اهل قبله را تکفیر نکنید.»^۱
 ابوذر غفاری از پیامبر ﷺ روایت کرده: «هیچ انسانی، انسان دیگر را متهم به فسق و کفر نمی-
 کند، مگر اینکه خودش مرتد خواهد شد.»^۲ و یا در حدیثی دیگر فرمودند: «کسی که مؤمنی را
 به کفر نسبت دهد، این عمل مانند قتل مؤمن است.»^۳

سخنان علمای بزرگ اسلام درباره تکفیر مسلمان

ابن همام حنفی در فتح القدير می گوید: «حق، در عدم تکفیر اهل قبله است.»^۴ ابن نجیم حنفی
 نیز در کتاب جمع الجوامع و شرح آن آورده است: «ما هیچ یک از اهل قبله را به دلیل بدعت،
 تکفیر نمی کنیم؛ مانند منکران صفات خدا و کسانی که قائل به عدم خلق افعال بندگان توسط
 خداوند هستند و یا کسانی که قائل به رؤیت خداوند متعال در روز قیامت هستند.»^۵ نووی از
 شارحان صحیح مسلم در کتاب روضه می گوید: «جمهور فقها از اصحاب ما، هیچ یک از اهل
 قبله را تکفیر نمی کنند.»^۶

در کتاب شرح عقیده طحاوی از کتب مورد توجه سلفیان عصر حاضر، آمده است: «اهل قبله تا
 زمانی که به آنچه پیامبر اکرم ﷺ آورده، اعتراف داشته و تصدیق کنند، مسلمان و مؤمن
 می باشند.»^۷ ابن ابی العز حنفی در شرح کلام طحاوی می گوید: «مسلمان با انجام گناه، از
 اسلام خارج نمی شود؛ تا زمانی که آن گناه را حلال نداند. بنابراین، مسلمان، هر چند اهل هوا و
 هوس باشد و یا اهل گناه باشد، مادامی که آنچه را پیامبر اکرم ﷺ آورده، تکذیب نکند، کافر
 نمی شود.»^۸

۱. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۵: «عن السيدة عائشة رضی الله تعالی عنها وقال الهیثمی رواه الطبرانی فی الاوسط وفيه علی بن ابی سارة وهو ضعيف متروك الحديث.»؛ نصب الرایة فی تخريج احادیث الهدایة، ج ۲، ص ۴۸۶: «عن ابی الدرداء وفي اسناده من یروی المناکیر ومن هو ضعيف.»
۲. صحیح البخاری، ح ۵۵۸۵؛ مسند احمد، ح ۲۰۵۹۰؛ الطحاوی، مشکل الآثار، ح ۷۲۳.
۳. صحیح البخاری، ح ۵۵۸۷ و ۵۶۴۰؛ مصنف عبدالرزاق، ج ۸، ص ۴۸۲؛ مصنف عبدالرزاق، ج ۱۰، ص ۴۶۳.
۴. فتح القدير، ج ۶، ص ۳۹۷؛ رد المختار، ج ۹، ص ۳۱۱.
۵. البحر الرائق، ج ۳، ص ۴۰۱.
۶. روضه الطالبین وعمدة المفتین، ج ۴، ص ۱۷۰.
۷. العقیدة الطحاویة، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.
۸. شرح الطحاوی، ص ۷۲۳.

تکفیر مسلمان به دلیل دوستی و همکاری با کفار

یکی از فتاوی داعش برای تکفیر مسلمانان، همکاری با کفار است. مقصود از کفار، همان کفار اصلی، یعنی آمریکا و امثال ایشان است. در این باره، بیان چند نکته لازم است:

۱. کمک به کفار، به تصریح روایات و اتفاق همه علمای اسلام، موجب کفر نمی‌شود. صریح‌ترین روایت در این مسئله، حدیث حاطب است که در صحیح بخاری و مسلم آمده است.^۱ در زمان پیامبر، حاطب نامه‌ای به مشرکان نوشت و برخی اسرار مسلمانان را در اختیار کفار مکه قرار داد. بعد از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه این اقدام حاطب می‌شود، دلیل آن را جویا می‌شود و حاطب دلایلی را ذکر می‌کند و می‌گوید: من کاری که موجب کفر و ارتداد شود، انجام ندادم و به کفر بعد از اسلام راضی نشدم. در این هنگام، عمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: اجازه بدهید گردن این منافق را بزنم که حضرت اجازه نمی‌دهد و می‌فرماید: حاطب، از اهل بدر است.

نکته جالبی که در روایت به‌وضوح دیده می‌شود، این است که حاطب با وجود افشای اسرار جنگی برای کفار، از سوی پیامبر کافر محسوب نشد؛ ولی داعشی‌ها بر خلاف این روایت، مردم بی‌گناه مسلمان را بدون هیچ دلیلی و تنها به جهت مخالفت با عقیده این گروه، کافر دانسته، خون آنها را مباح می‌دانند.

۲. به تصریح همه علمای اسلام، اگر کمک به کفار موجب شکست مسلمانان و غلبه کفار شود، این شخص به دلیل خیانت کشته می‌شود؛ اما تکفیر نمی‌شود.

۳. اگر دوستی و همکاری با کفار، فقط به انگیزه دنیوی باشد و یا به اجبار و اکراه باشد، در این مورد، تمامی فقهای اسلام اتفاق دارند که حکمش کشتن نباشد؛ هرچند مجازات می‌شود. شافعی در کتاب *الأم* می‌گوید: «در تأیید کفار و کمک به آنان، هیچ دلیلی وجود ندارد که موجب خروج مسلمان از اسلام شود.»^۲

همچنین، ابن تیمیه در *مجموع الفتاوی* می‌گوید: گاهی اوقات، مسلمان به واسطه ارتباط خویشاوندی و یا نیازی، با کفار رابطه برقرار می‌کند که این عمل، گناهی است که موجب نقصان

۱. صحیح مسلم، ج ۲۴۹۴.

۲. *الأم*، ج ۴، ص ۲۴۹.

در ایمان می‌شود؛ ولی موجب کفر مسلمان نمی‌شود؛ مانند نامه حاطب به مشرکان و کمک کردن سعد بن عباد به عبدالله بن ابی در مسئله افک.^۱

۴. در تکفیر کسانی که کفار را اعانت می‌کنند، در دوران معاصر نسبت به دوران گذشته باید احتیاط بیشتری کرد. پیش‌تر جبهه اسلام و کفر کاملاً واضح و روشن بود؛ اما در دوران معاصر به سبب اختلاف علما در مورد مسائل مختلف، این امر برای عموم مردم شبهه‌ناک شده است. در این دوران، برخی با صدور فتوا عده‌ای را تکفیر می‌کنند؛ در حالی که برخی دیگر از علما، از همان عده حمایت می‌کنند و همین مسئله موجب سردرگمی عموم مردم شده است و باید در مسئله تکفیر، احتیاط بیشتری کرد.^۲

حکم کفر برای بلاد اسلامی

داعش ادعا می‌کند: در این دوران، تمامی سرزمین‌های اسلامی، جزو بلاد کفر محسوب می‌شود و علاوه بر تکفیر حاکمان و ارتش کشورهای اسلامی، مردمان این کشورها نیز به سبب زندگی در بلاد کفر و عدم مبارزه با حاکمان آن، تکفیر می‌شوند.

اما علمای اسلام چنین تفسیری از دارالاسلام و دارالکفر را به هیچ وجه قبول ندارند و معتقدند: این بیان، تفسیر بسیار خطرناکی از دارالکفر است. سرخسی از علمای بزرگ حنفی در مبسوط می‌گوید: هر مکانی که احکام اسلام در آن ظاهر باشد و قدرت منطقه در دست مسلمانان باشد، آن منطقه بلاد اسلام است. دارالاسلام، جایی است که بیشتر احکام اسلام در آن ظاهر باشد؛ مانند: توحید، اذان، نماز، روزه، حج و حجاب.

ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه می‌گوید: جمهور علما قائل‌اند: دارالاسلام، مکانی است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند و احکام اسلام در آن جاری است و تا زمانی که احکام اسلام در آن جاری باشد، دارالاسلام است؛ اما بلادی که غالب احکامی که در آن رایج است، احکام اسلامی نباشد، بلاد کفر محسوب می‌شود.

علمای اسلام معتقدند: تبدیل بلاد اسلام به بلاد کفر، شرایطی دارد که عبارت است از: عدم اجرای احکام شریعت، غلبه مشرکان بر بلاد مسلمانان، ظهور احکام کفرآمیز و غلبه آن نسبت به

۱. مجموع الفتاوی، ج ۷، ص ۵۲۲-۵۲۳.

۲. همان.

احکام اسلامی. بنابراین، در دوران معاصر بر اساس هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، هیچ‌کدام از بلاد اسلامی به بلاد کفر تبدیل نشده است؛ زیرا مشرکین در بلاد اسلامی هیچ‌گونه استیلا و غلبه‌ای ندارند؛ بلکه اکنون در بلاد اسلامی عده‌ای از خود مسلمانان، هرچند ضعیف‌الایمان و وابسته به کشورهای غربی، بر اوضاع حکومت می‌کنند و قوانینی را وضع می‌کنند؛ حتی اگر کفار بر بلاد اسلامی استیلا پیدا کنند و بر آن حکومت نمایند، ولی شعائر اسلامی باقی بماند و عمل به احکام اسلام رایج و آشکار باشد، حکم بلاد کفر پیدا نمی‌کند و همان بلاد اسلامی باقی خواهد ماند.

دسوقی در حاشیه بر شرح کبیر می‌گوید: با غلبه کفار بر بلاد اسلامی، دارالاسلام به دارالحرب تبدیل نمی‌شود تا زمانی که شعائر اسلامی در آن برپا باشد. ضمن اینکه امروزه احکام و شعائر اسلام در همه کشورهای اسلامی آشکار است و احکام اسلام در آن غلبه دارد.

موضع داعش در قبال شیعیان و ایران

در فوریه ۲۰۰۴م، زرقاوی رسماً با صدور بیانیه‌ای، جنگ فرقه‌ای علیه شیعیان را اعلان کرد.^۱ زرقاوی به عنوان رهبر کاریزمای داعش، پس از تشکیل «القاعده فی بلاد الرافدین»، دشمن اول خود را شیعیان نامید و به طور رسمی، شیعه را خائن و منافق معرفی نمود و عموم شیعیان را تکفیر کرد و کشتن تمامی آنها را جایز شمرد.^۲ زرقاوی در رساله‌ای منسوب به او با نام «هل أتاک حدیث الرافضة»، تأسیس شیعه را به دست عبدالله بن سبأ یهودی دانست که با هدف تفرقه میان امت اسلام علیه خلیفه وقت قیام کرد و در نهایت، به کشته شدن عثمان منجر شد و پیروان او را «شیعه» نامیدند.

زرقاوی در این رساله، به بررسی عملکرد تمامی گرایش‌های شیعی (دوازده‌امامی، زیدیه، اسماعیلی و دیگر فرقه‌های شیعه) در طول تاریخ در برابر اهل سنت پرداخته، با نسبت دادن افتراءات و تهمت‌های بسیار به شیعیان، بهائیت را نیز از فرقه‌های شیعه معرفی می‌کند. این، در حالی است که از نظر تمامی علمای شیعه، بهائیت، فرقه‌ای ضالّه و خارج از اسلام محسوب

1. Cordesman A.H, Burke A.A. Zarqawi's Death: Temporary "Victory" or Lasting Impact. Center for Strategic and International Studies. 2006:1-12.

۲. ابومصعب زرقاوی، کلمات مضیئة، ج ۵، ص ۵۲۵.

می‌شود. زرقاوی در این رساله، به گمان خود، با بیانی از آیات قرآن و سنت نبوی، قائل به تکفیر تمامی شیعیان شده است. وی با استناد به منابع تاریخی ضعیف و بی‌سند، شیعه را در طول تاریخ هم‌پیمان یهود و نصاری معرفی می‌کند که همیشه با هم‌پیمانی یهود و نصاری، به دنبال نابودی اهل سنت بوده است و در ظاهر، ادعای وحدت با اهل سنت می‌کند و در باطن، آنان را دشمن اصلی خود می‌داند. پس، وحدت میان شیعه و اهل سنت، هرگز ممکن نیست. این، در حالی است که جمهوری اسلامی پرچم‌دار مبارزه با اسرائیل و حمایت از فلسطین در جهان اسلام است و تاکنون هزینه‌های سنگینی را به جهت دفاع از مسئله مقدس فلسطین متحمل شده است. به اعتراف تمامی جریان‌های مبارز فلسطینی، جمهوری اسلامی ایران، تنها کشوری است که بیشترین حمایت را از مبارزان فلسطینی داشته است.

اما بهترین دلیل بر بطلان مدعای دروغین زرقاوی و داعش، سنتی بودن جریانات مبارز فلسطینی و ارتباط عمیق آنها با جمهوری اسلامی است. سال‌هاست که جمهوری اسلامی با تمام توان و بدون در نظر گرفتن گرایش‌های مذهبی، از تمامی جریانات ضد استکباری و ضد صهیونیسمی در سراسر جهان، از شیعه و سنتی حمایت کرده است. سؤالی که در اینجا مطرح است، اینکه چگونه امکان دارد کشوری که بیشترین دشمنی را با اسرائیل دارد، متحد آمریکا باشد و مورد حمایت آمریکا قرار بگیرد؟ کدام منافع آمریکا با حمایت ایران تأمین می‌شود؟ آیا تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی، حمایت محسوب می‌شود؟ آیا حمایت‌های هشت‌ساله کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا از صدام برای جنگ با جمهوری اسلامی، حمایت به شمار می‌رود؟

تحلیلی بر مواضع داعش

۱. به نظر می‌رسد داعش برای توجیه اشتباه‌های خود، فضای موجود در عراق و سوریه را به سوی جنگ مذهبی شیعه و سنتی کشانده و از طریق تحریک احساسات، جوانان خام، اما پرشور اهل سنت منطقه و جهان را به سوی خود و به کام مرگ می‌کشد. رهبران داعش با بزرگ‌نمایی برخی اشتباه‌ها و تأکید بر ظلم شیعه به اهل سنت عراق، برای بقای خود می‌کوشند. بنابراین، نباید در دام آنها افتاده، به جنگ مذهبی دامن بزنیم که برنده اصلی در این جنگ، آمریکا و بازنده آن نیز شیعه و سنتی خواهد بود.

۲. در طول تاریخ شیعیان و پیروان اهل بیت، به اتهام شیعه بودن، همیشه و همه جا مورد ظلم حاکمان قرار گرفته‌اند؛ اما از اهل بیت خود آموخته‌ایم که این جفاها را با محبت و ارتباط و تعامل جبران کنیم و اگر ایران اسلامی دم از وحدت و تقریب می‌زند، نه خدعه است و نه ریا و نه هیچ چیز دیگر؛ بلکه از اهل بیت خود آموخته‌ایم که به عیادت مخالف خود برویم. در تشیع جنازه و نماز جماعت آنان شرکت کنیم تا بگویند: «هذا جعفری... هذا أدب جعفری». پس، هزینه فراوان تقریب و وحدت را به دلیل عمل به سخنان گهربار بزرگان خود می‌پردازیم و از این امر نیز پشیمان نیستیم.

۳. ایران اسلامی بر خود فرض می‌داند برای حفظ جان مسلمانان در اقصی نقاط جهان بکوشد و برای این کار، نه از کسی اجازه می‌گیرد و نه از کسی توقع دارد. این را اسلام به ما آموخته و اهل بیت علیهم‌السلام، نخستین عاملان به آن بودند. ایران اسلامی هر کجا ندای مظلومیت مسلمانی را بشنود، بی‌هیچ چشم‌داشتی او را حمایت می‌کند. اکنون ایران، کشوری شیعی و تنها کشوری است که برای فلسطینیان سنی هزینه فراوانی می‌دهد؛ اما نه متنی دارد و نه توقعی.

۴. داعشی‌ها اسم خود را جهادی گذاشته‌اند؛ ولی به جنگ مسلمانان رفته، برادران دینی خود را به قتل می‌رسانند و نوامیس و اموال آنان را نشانه می‌گیرند. حال، پرسش این است که این چه جهادی است که مشرکان از این مجاهدان در آسایش‌اند و برعکس، مسلمانان و مؤمنان در هراس‌اند؟ آیا اکنون پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از داعشی‌ها راضی است و آنها واقعاً به نفع اسلام عمل می‌نمایند؟ یا در زمین دشمن بازی می‌کنند؟ کمی تأمل، شاید آنها را از راهی که می‌روند، جدا کند.

۵. شیعه در مقابل خوارج عصر، باید همان روش امیر مؤمنان علیه‌السلام در مقابل خوارج را عملیاتی کند. امام علی علیه‌السلام به خوارج فرمود: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ». این، همان روشی است که مقام معظم رهبری در سخنانشان درباره داعش و امثال آن در موارد متعدد، به‌ویژه در سال‌روز رحلت امام خمینی رحمته‌الله بیان داشتند. ایشان فرمودند: «اینها دشمن اصلی ما نیستند؛ بلکه آمریکا که پشت سر اینهاست، دشمن اصلی ماست. مراقب باشیم در زمین دشمن بازی نکنیم، راه را گم نکنیم و هزینه‌هایمان را در زمین دشمن صرف ننماییم.»^۱

۱. سخنرانی ایشان در سال‌روز رحلت امام خمینی، سال ۱۳۹۴.